موسیقی

حسن ناهید همچنان در بیمارستان بستری است

نداسیجانی
خبرنگار

حسن ناهید نوازنده پیشکسوت ساز نی همچنان در بیمارستان بستری است، تقریباً یک هفته است که این هنرمند به دلیل عارضه قلبی به بیمارستان تهرانپارس منتقل شده و همچنان در بخش مراقبت‌های ویژه بستری است. احمد ناهید فرزند این هنرمند در گفت‌وگویی کوتاه با «ایران» حال پدر را مساعد اعلام کرد و بیان داشت: «پدرم همچنان در آی‌سی‌یو بستری است و به دلیل ضعف جسمانی امکان انتقال به بخش وجود ندارد تا پزشک معالج دستورهای لازم را صادر کنند چرا که درحال حاضر قادر به خوردن غذا نیست البته طبق گفته پزشک این مشکلات قابل برگشت و رفع شدن است اما شکر خدا پدر در هوشیاری کامل است.»

حسن ناهید یکی از حرفه‌ای‌ترین نوازندگان نی ایران است، هنرمندی که توانست ساز نی را در ارکسترهای موسیقی ایرانی و ارکستر موسیقی ملی بنوازد. او نخستین کسی است که پرده‌های نی را با نت موسیقایی تطبیق داد و باعث تسهیل و تسریع در روند آموزش این ساز شد.

حسن ناهید ۱۲ تیرماه به سال ۱۳۲۲ در کرمان متولد شد و از ۱۰ سالگی به موسیقی علاقه‌مند بود و برخلاف برخی از هنرمندان که خانواده مشوق و علاقه‌مند به هنر موسیقی هستند او از این شانس بی‌بهره بود و همین امر سبب شد راه‌های سختی را برای رسیدن به اهدافش طی کند. حسن ناهید در مورد خودش گفته بود: «پدرم ارتشی بود وعقاید مذهبی هم داشت، همین افکارمانع ازآن بود که اجازه بدهد به دنبال موسیقی بروم و بشدت مخالفت می‌کرد اما من به صورت پنهانی و دور از چشم پدرراه خود را ادامه دادم؛ یک بارکه ساز نی را دردست من دید، گرفت و آن را شکست! هرگاه صدای سازاستاد کسایی رامی شنیدم آن را در ذهن حفظ می‌کردم و به خانه می‌آمدم و زیر دو- سه لحاف(که صدا بیرون نرود) آرام آرام تمرین می‌کردم و...»

اما با آمدن به تهران مسیرزندگی او تغییر کرد و توانست با کمک حسین دهلوی که مدت زمانی درمحضر او شاگردی می‌کرد، اتفاق‌های بزرگی در زندگی اش رقم بزند و درهمان دوره در۱۳ارکستر سازمی نواخت، این فعالیت با هنرمندانی همچون اسدالله ملک، فرامرز پایور، فرهنگ شریف، لطف‌الله مجد و... و حضور در ارکسترهای بزرگ ادامه داشت اما چند سالی است به دلیل بیماری قلبی و ایمپلنت دندان دیگرقادر به نوازندگی نبوده و روزهای بسیاری را به تدریس موسیقی می‌گذراند، اگر چه همچنان دلتنگ آن روزگاری است که در کنار یاران و دوستان خود آثار ماندگاری چون «شب نیشابور» (فرامرز پایور)، «وطن من» (پرویز مشکاتیان) و «گلپونه ها» (حسین پرنیا) را می‌نواخت.

حسن ناهید نزدیک به ۶۰ سال از عمر خود را صرف هنرموسیقی کرده و نوای سحرآمیز این نوازنده همچنان هرشنونده را مسحور خود می‌کند. او پیش‌تر در گفت‌وگو با ایران بیان داشت:«آرزو دارم موسیقی در این مملکت روز به روز پیشرفت کند و ما هم تا آنجا که از دستمان بر می‌آید کمک کنیم تا بتوانیم فرهنگ خودمان را به جهانیان بشناسانیم، فرهنگی که عاشق آن هستم.»

خط خبر

■ مستند بلند «دوجاده» تولید سال ۲۰۱۹ کشور جمهوری چک به کارگردانی رادوان سیبرت، در بخش بهترین‌های جهان مستند چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت به‌نمایش گذاشته می‌شود. دیروز اسامی فیلم‌های بخش «مسابقه ملی» چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» در سه گروه مستندهای

کوتاه، نیمه بلند و بلند هم اعلام شد. جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» از ۱۸ تا ۲۵ آذرماه ۹۹ به‌صورت مجازی و نمایش آنلاین برگزار می‌شود.

■ نسخه انگلیسی رمان گرافیکی «ارشیا» نوشته اشکان رهگذر منتشر شد. نشر انگلیسی مارکوزیا که پیش از این مجموعه رمان‌های گرافیکی «جمشید» به نویسندگی اشکان رهگذر را به زبان انگلیسی به‌شکل فیزیکی و آنلاین منتشر کرده بود، در ادامه همکاری‌اش با انتشارات استودیو هورخش اولین جلد از رمان گرافیکی «ارشیا» را منتشر کرد.

■ برنامه حمایتی اداره کل هنرهای نمایشی از تولید آثار نمایشی برای عرضه در فضای مجازی در قالب اطلاعیه شماره ۷ منتشر شد. اداره کل هنرهای نمایشی در نظر دارد نمایش را برای بازتولید و یک اجرا جهت ضبط حرفه‌ای و پخش از بسترهای ارائه آثار در فضای مجازی مورد حمایت قرار دهد و گام نخست این طرح، شامل تعدادی از آثاری خواهد بود که در (بهمن، اسفند ۹۸ و فروردین، مهر، آبان ۹۹) براساس مستندات در تهران و استان‌ها آماده اجرا بودند و به خاطر تعطیلی فعالیت‌ها از روند تولید و اجرا بازماندند. ثبت تقاضا از طریق مراجعه به بخش «حمایت از تولید آثار نمایشی برای عرضه در فضای مجازی» در درگاه ایران تئاتر به نشانی http//www.theater.ir از تاریخ ۱۵ آذر تا ۳۰ آذر ۹۹ امکان پذیر است./ ایلنا

■ هنرمندان در بیانیه‌هایی ترور دانشمند هسته‌ای کشور شهید دکتر محسن فخری‌زاده را محکوم کردند. دیروز متن بیانیه‌های جمعی از مستندسازان و فعالان سینمای مستند و هنرمندان انجمن‌های هنرهای نمایشی کشور در محکومیت ترور شهید محسن فخری‌زاده منتشر شد./ خبرآنلاین

■ ملانیا ترامپ همسر رئیس جمهوری امریکا، خاطرات روزهای اقامت خود در کاخ سفید را کتاب می کند. شایعه شده او قصد دارد یک کتاب افشاگر درباره دوران اقامت خود در این کاخ بنویسد./ ایرنا

■ اولیور دَودن، وزیر فرهنگ بریتانیا از تنفلیکس خواست تا اعلام کند سریال «تاج» مستند نیست. او گفت: «نگرانم نسلی از بینندگان که در آن سال‌ها نبوده‌اند، ممکن است با دیدن سریال «تاج» داستان سرایی را با واقعیت اشتباه بگیرند. سازندگان سریال باید به بینندگان بگویند که ماجراهایی که می بینند، الزاماً واقعیت نبوده و داستان است. برخی از خانواده سلطنتی هم می گویند این سریال واقعیت را به‌صورت دقیق تصویر نکرده است. منابعی از قول خانواده سلطنتی نیز گفته‌اند که «پرنس چارلز» از تماشای فصل آخر این سریال که درباره زندگی او و پرنسس دایانا است خودداری کرده است./ مهر

کتاب

نگاهی به وضعیت کتابفروشی‌ها در تعطیلی دو هفته اخیر

فروش آنلاین مکمل خرید حضوری است، نه جایگزین آن!

مریم‌شهبازی
خبرنگار

شیوع ویروس کرونا و محدودیت‌های نشأت گرفته از آن را برخی تلنگری بر پیکر نشرمان می‌دانند و تأکید دارند در کنار تمام مشکلاتی که این بیماری سبب شده ، فعالان حوزه کتاب را به سوی بهره‌مندی هرچه بیشتر از تکنولوژی‌های ارتباطی کشانده است؛ مهم‌ترین مصداقی که بر این گفته‌شان برمی‌شمارند هم توجه بیشتر کتابفروشان به راه‌اندازی بخش فروش آنلاین یا خریدهای تلفنی است؛ حالا باید دید خود فعالان این عرصه چه نظری دارند؛این‌که فضای مجازی بویژه در تعطیلی مشاغل طی دو هفته اخیر توانسته حذف فروش حضوری را جبران کند یا نه.

■ **فروش آنلاین و حضوری قابل مقایسه نیستند**

علیرضا رئیس دانایی، مدیر نشر و کتابفروشی نگاه ازجمله ناشرانی است که منکر ضرورت بهره‌مندی هر چه بیشتر فعالان نشر از فضای مجازی و امکانات مرتبط با آن نیست؛ او درباره این‌که دو هفته تعطیلی فروش حضوری چه تأثیری در کار کتابفروشان داشته به «ایران» می‌گوید:« فروش اینترنتی‌مان طی این مدت خوب بوده منتها قابل مقایسه با فروش حضوری نیست. هم‌اکنون از طریق فضای مجازی تنها ۳۰ درصد از فروش حضوری‌مان حفظ شده است. اگر در کتابفروشی روزی یک‌صد جلد کتاب بفروشیم حالا به‌روزی ۲۵ تا ۳۰ جلد درفروش آنلاین رسیده که اصلاً قابل مقایسه با فروش عادی نیست.» رئیس دانایی تأکید دارد از آنجایی که زمان چندانی از حضور جدی‌تر فضای مجازی در زندگی ما ایرانیان نمی‌گذرد بخش کمی از مردم به خرید اینترنتی کتاب عادت کرده‌اند و اغلب ترجیحشان به خرید حضوری است. البته او منکر ضرورت‌های زندگی امروز در بهره‌مندی بیشتر از تکنولوژی‌های ارتباطی نیست منتها تأکید دارد که گذشت چندین ماه زمان قابل توجهی برای نهادینه شدن این قبیل عادت‌ها نیست. ازآنجایی‌که هنوز زمستان آغاز نشده و بازهم احتمال مواجه‌شدن با تعطیلی‌های مشابه این دو هفته وجود دارد پیشنهاد رئیس دانایی به مسئولان این است که کتابفروشی‌ها را از مشاغلی که آنها را ملزم به تعطیلی می‌کنند مستثنی کنند؛ او می‌گوید:« کشورهای دیگر طی ماه‌هایی که از شیوع کرونا می‌گذرد برای کتابفروشان استثنا قائل شده‌اند و آنها را تعطیل نکرده‌اند؛ در کشور ما هم در صورت برقراری دوباره تعطیلی‌ها باید چنین روالی درپیش گرفته شود.» رئیس دانایی در تشریح بیشتر گفته‌اش به این نکته اشاره می‌کند که: «کتابفروشی، سوپر مارکت یا بازار روز میوه نیست که در آن با ازدحام بالای جمعیت روبه‌رو شویم و درنتیجه شغل پرخطری محسوب نمی‌شود! برای همین دو هفته اتحادیه ناشران و کتابفروشان تلاش کرد تا کتابفروشی‌ها ازجمله مشاغل ملزم به تعطیلی نباشند که متأسفانه موفق نشد. کتابفروشی ازجمله مشاغل ضروری است، مسئولان باید نگاه جدی‌تر به آن داشته باشند.» رئیس دانایی به‌رغم آنکه معتقد است هنوز با سطح مطلوب کتاب‌خوانی فاصله‌داریم اما تصریح می‌کند: «۵۷ سال است که کتابفروش هستم و برخلاف برخی که تأکید دارند ایرانیان کتاب نمی‌خوانند معتقدم مردم کتاب می‌خرند و می‌خوانند. منتها دراین بین کتاب‌های چاپ قاچاق و کتاب‌های ناشران زیرزمینی و برخی دیگر از موارد هستند که لطمه زیادی متوجه نشر کرده‌اند.»

■ **همه کتابفروشان ملزومات فروش اینترنتی ندارند**

محمد یراقچی مدیر کتابفروشی ونشرپنجره به نکته‌ای متفاوت از گفته‌های رئیس دانایی اشاره می‌کند؛ او معتقد است نمی‌توان از فروش آنلاین کتاب به‌رغم ویژگی‌های مثبتی که دارد انتظاری مشابه فروش حضوری داشت. یراقچی در همین زمینه به «ایران» می‌گوید:«بسیاری از خریداران کتاب بدون در دست داشتن هیچ فهرستی به کتابفروشی‌ها مراجعه می‌کنند و مبنای خرید را به اعتمادی می‌گذارند که در خصوص راهنمایی کتابفروشان دارند.»

او البته این جایگاه را بیشتر برای کتابفروشی‌های محلی قائل است چراکه به‌مرورزمان به محل رفت‌وآمد خریداران کتاب تبدیل می‌شوند وادامه می‌دهد: «دایر بودن کتابفروشی تنها از جهت فروش کتاب اهمیت ندارد، بلکه به‌مرور منجر به شکل‌گیری محلی برای گفت‌وگوهای فرهنگی می‌شود، بخشی از این تعاملات به‌واسطه رفت‌وآمد نویسندگان و مترجمان است و بخشی هم خود علاقه‌مندان کتاب.»

خواسته یراقچی هم از مسئولان این است که اگر باز هم قرار به تعطیلی‌های این‌چنینی بود همچون دیگر نقاط جهان کتابفروشان را مستثنی بدانند. او ادامه می‌دهد: «گذشته از ضرورتی که دایر بودن کتابفروشی‌ها دارد از بابت دیگری هم می‌توان به آن نگاه کرد. وقتی مسئولان می‌گویند مردم از خانه خارج نشوند باید چاره‌ای هم برای خوراک فکری آنان بیندیشند؛ کتاب در چنین شرایطی کمک بسیاری می‌کند، هم به افزایش روحیه و تحمل‌پذیری مردم می‌انجامد و هم این‌که مسئولان را به تحقق خواسته‌شان برای خانه ماندن مردم نزدیک می‌کند.» این مسئول نشر و کتاب‌فروشی در پاسخ به این‌که فروش آنلاین چه تأثیری در حفظ کتاب‌فروشی‌ها دارد می‌گوید: «شاید مؤسسات فروش آنلاین کتاب که به‌طور خاص در این حوزه فعالیت می‌کنند یا کتاب‌فروشی‌های بزرگ از امکانات خوبی برای ارسال برخوردار باشند، اما برای کتابفروشی‌های کوچک‌تر این‌طور نیست و نمی‌توانیم چندان روی فروش اینترنتی حساب کنیم، هرچند که ما هم از آن غافل نشده‌ایم.» او معتقد است بهره‌مندی از فضای مجازی برای فروش کتاب اتفاق خوبی است اما ملزوماتی دارد که همه کتابفروشان قادر به بهره‌مندی از آن نیستند. مدیر کتابفروشی پنجره ادامه می‌دهد: «اگر فروش آنلاین می‌توانست جایگزین فروش حضوری شود که تمام دنیا کتابفروشی‌ها را تعطیل می‌کردند، اما چنین اتفاقی رخ نداده و آنان حتی در ایام قرنطینه هم برای کتابفروشان استثنا قائل شدند. فروش آنلاین برای کتابفروشی ما که چندان با توجه به محدودیت‌ها شرایط ارسال مطلوب نبوده، با این‌حال جالب است بدانید قبل از اعلام رسمی تعطیلی دو هفته مذکور خیلی از کتاب دوستان مراجعه کردند و به‌جای خرید یکی- دوجلد حتی تا هفت-جلد کتاب هم خریدند.» هم یراقچی و هم رئیس دانایی تأکید دارند درفروش آنلاین، بخش مهمی از فروش که متکی بر خرید کتاب با همراهی کتابفروشان است از میان می‌رود، اتفاقی که نمی‌توان آن را در فضای مجازی شبیه‌سازی کرد؛ از سوی دیگر نه‌فقط این دو کتابفروش و ناشر، بلکه دیگر اهالی کتاب هم تأکید دارند که به فروش آنلاین نباید به‌عنوان جایگزین نگاه کرد بلکه از آن باید در راستای مکملی همراه با فروش حضوری بهره گرفت. حالا باید دید در صورت ضرورت تکرار تعطیلی دوباره مشاغل و اعمال محدودیت‌های رفت‌وآمد، مسئولان این بار با چه نگاهی سراغ کتابفروشان می‌روند!

جناب آقای مهندس سعید عبدالمطلبی‌منفرد
و خانواده محترم
بدین‌وسیله اولین سالگرد فقدان پدر گرامی‌تان مرحوم عباس عبدالمطلبی‌منفرد را خدمت‌شما و خانواده گرامی‌تان صمیمانه تسلیت عرض نموده و از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات آرزومندم.
بزرگ خاندان داوری- عباس داوری

رفتی و آتش زدی بر جسم و جانم ای پدر
گشته تاریک از فراقت آشیانم ای پدر
چون به یاد آرم که درد تو نشد درمان‌پذیر
آتش غم می‌زند شعله به جانم ای پدر

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدری مهربان و دلسوز، مرحوم شادروان
جناب آقای مهندس عبدالعلی غفاری پور جهرمی
پدر راه و راه آهن ایران را به اطلاع کلیه سروران گرامی می‌رسانیم. اندوه ما در غم از دست دادن پدر بزرگوارمان در واژه نمی گنجد. مراسم سومین روز درگذشت آن مرحوم روز پنج‌شنبه ۱۳۹۹/۹/۱۳ از ساعت ۱۵ به‌بعد در منزل آن مرحوم برگزار می‌شود. با قرائت فاتحه و صلوات روح آن مرحوم را شاد فرمایید.
از طرف فرزندان داغدار (دکتر مهرناز، مهندس مهسا، دکتر مهرنوش غفاری پور جهرمی) سایر بستگان و آشنایان

طراوت گل را ماندگار کنیم
با هدایا و نذورات و سفارش گل‌های همیشه بهار برای مجالس ترحیم یتیمان را از رنج و پریشانی برهانیم.
موسسه خیریه حضرت فاطمه زهرا
شماره ثبت ۸۲۶۹ تاسیس ۱۳۶۸
دفتر مرکزی میدان نیاوران: ۲۲۸۲۴۳۷۱-۲
سفارش تاج گل ۲-۲۰۱-۲۶۳۰۰ همراه ۰۹۱۲-۳۵۸۲۷۱۲
www.Fatemehzahra.org سامانه پیام کوتاه ۲۰۰۰۴۷۵

گزارش روز

در مراسم یادبود مجازی کامبوزیا پرتوی مطرح شد

کاش بنویسی که دنیا می‌توانست چگونه شود و نشد

فرهنگی/ کانون کارگردانان سینما در سومین تجربه بعد از مراسم یادبود سیامک شایقی و خسروسینایی، شامگاه دوشنبه ۱۰ آذرماه یادبود مجازی زنده‌یاد کامبوزیا پرتوی را در صفحه اینستاگرامش برگزار کرد. در این مراسم که اجرای آن را مازیار میری بر عهده داشت، اهالی سینما درباره این کارگردان و فیلمنامه‌نویس صحبت کردند یا دلنوشته‌هایشان را خواندند. این مراسم با تعبیر محسن امیریوسفی درباره کامبوزیا پرتوی با عنوان «روشنفکر آرام» آغاز شد. رئیس کانون کارگردانان، پرتوی را مثال بارز روشنفکر آرام در سینمای ایران عنوان کرد که اگرچه زندگی را چندان جدی نمی‌گرفت اما کارش را بشدت جدی می‌گرفت. اولین میهمانان این یادبود مجازی خانواده پرتوی بود. کاوه و کسری پرتوی از شخصیت اجتماعی، خانوادگی وسینمایی پدر گفتند ونسرین مرادی همسر زنده‌یاد پرتوی گلایه کرد از این‌که او با دلی پر از اکران نشدن آخرین فیلمش (کامیون) از این دنیا رفت. علیرضا تابش مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی از اشتیاق پرتوی به سینمای کودک و نوجوان و همکاری این بنیاد برای ساخت «کامیون» گفت: «او این نظرگاه را ارائه داد که در پناه عشق، هیچ آوارگی وجود ندارد.» مسعود کرامتی بازیگر، کارگردان و از دوستان قدیمی کامبوزیا پرتوی از درد عمیق رفتن دوستی صمیمی سخن گفت: «درد عمیق‌تر من این است که او می‌توانست کارهای بیشتری بکند و بیشتر از این قدر ببیند.»

در ادامه رخشان بنی‌اعتماد در پیام صوتی، دلنوشته‌ای را خطاب به پرتوی خواند: «با شیوع کرونا غافل از ابعاد فاجعه فکر می‌کردم جهان بعد از کرونا حداقل برای نسل‌های بعد، جهان بهتری خواهد شد. کرونا ماند ولی انسان دوپا درسی از این شرایط نگرفت. جنگ و کشتار بی‌رحمانه و ترورهای وقیحانه ادامه پیدا کرد. و ما فقط نظاره‌گر ردشدن قافله عزیزانی مثل تو بودیم که از جلوی چشمان‌مان می‌گذرند و ما در انتظار رسیدن نوبت خودمان هستیم. کاش بنویسی... کاش با همان قلم روانت بنویسی که دنیا می‌توانست چگونه شود و نشد.» بهمن فرمان‌آرا هم در پیامی صوتی از ممتاز شدن همکاری جعفر پناهی و رسول صدرعاملی در همکاری با این فیلمساز فقید گفت و او را آدمی استثنایی دانست. فرشته طائرپور دلنوشته‌ای را به شکل پیام صوتی خطاب به این راوی سینمای کودکان و نوجوانان خواند. در بخشی از این پیام آمده: «کامبیز قصه‌گو می‌شنوی؟ صدای بچه‌ها را می‌گویم. بچه‌های دیروز، بچه‌های امروز. بچه‌های فردا. و بچه‌های همیشه را. بچه‌های فیلم ماهی. گلنار. گربه آوازه خوان. بازی بزرگان... چند روز است که در هوای بارانی نام تو را صدا می‌کنند و خاطراتشان با تو را مرور می‌کنند. کامبیز قصه‌گو می‌شنوی؟ صدای خنده‌ها و آواهای حیرت بچه‌ها را می‌گویم که در سالن‌های تاریک سینما، چشم به نور پرده بزرگ دوخته‌اند تا آقاخرسه و تپله تنبلی و خاله قورباغه را تماشا کنند که جان گرفته‌اند و آواز می‌خوانند. و حتی بفهمی نفهمی گاهی هم دور از چشم سخت‌گیران عبوس می‌رقصند. می‌شنوی صدای بچه‌ای را که با سربلندی به پدرش می‌گوید: دیدی گفتم عروسک‌ها هم می‌توانند راه بروند و حرف بزنند؟ کامبیز چه خوب به کمک بچه‌ها آمدی تا به بزرگ‌ترهایشان بفهمانند که دنیایی مهربان‌تر و زیباتر از دنیایی که در آن به جان هم افتاده‌ایم هم هست. دنیایی که در آن خرس‌های بزرگ و نادان، سرانجام از بچه‌های کوچک و دانا شکست می‌خورند.» در بخش دیگر مراسم فرهاد توحیدی فیلمنامه‌نویس و از دوستان قدیمی پرتوی در دانشگاه در گفت‌وگو لایو اینستاگرامی خاطراتی از مقاطع مختلف نقل کرد و از او به‌عنوان هنرمندی یگانه یاد کرد که شهودی زیست و خیام‌وار زندگی کرد و هیچ‌گاه خود را در غم فردا، محصور نکرد. رسول صدرعاملی که بیشترین همکاری با پرتوی را داشته، با تأکید بر تأثیرگذاری او بر سینما از تعامل با اهالی سینما و فیلمسازان جوان گفت: «هر شب خانه او محل رفت و آمد فیلمسازان جوان بود. بچه‌هایی که از شهرستان‌ها فیلمنامه به دست نزد کامبیز می‌آمدند و از او مشورت می‌گرفتند. و این غیر از کمک او به ما اهالی حرفه‌ای سینما بود.» غزل شاکری که بازیگری در سینما را با «گلنار» و کامبوزیا پرتوی شروع کرد از رنگین شدن رؤیای کودکی با این فیلم گفت: «ما بچه‌های زمان جنگ و روزهایی بودیم که رؤیاهایمان هم سیاه و سفید بود و کودکی شادی نداشتیم. «گلنار» باعث شد رؤیای کودکی ما رنگی شود.» فرشته صدرعرفایی درباره ویژگی غیرقابل تغییر فیلمنامه‌های این فیلمساز در «دایره» و «کافه ترانزیت» صحبت کرد: «به ندرت پیش می‌آید فیلمنامه‌ای دست بازیگر باشد و نتوانی جمله‌ای از آن را عوض نکنی. نادرند فیلمنامه‌نویسانی که اینقدر ساختمان فیلمنامه آنها درست باشد که پیشنهادی برای تغییر دیالوگ نداشته باشی. شاهد بودم وقتی فیلمنامه می‌نوشت، چگونه آن را بازی می‌کرد. در خانه و در اتاق کار صدایش را می‌شنیدم که چگونه تک تک نقش‌ها را بازی می‌کند. او دوست داشت نوشته‌اش را برای دیگران بخواند و از دیگران نظر بگیرد.» پس از صحبت‌های تورج اصلانی، کارگردان و مدیرفیلمبرداری سینمای ایران، فریدون جیرانی کارگردان و فیلمنامه‌نویس در گفت‌وگوی تلفنی با مرور کارنامه کاری پرتوی در دوره‌های مختلف و متناسب با فضای جامعه دو فیلمنامه «دایره» و «قطعه ناتمام» را به‌عنوان مشخص‌ترین آثار پرتوی در بیان عقیده عنوان کرد، در سال‌های بین ۷۷ تا ۸۰ یعنی دوره اول اصلاحات و به گفته این منتقد سینما تنها دوره‌ای که کارگردان‌ها توانستند عقاید خود را مطرح کنند و روشن‌تر و شفاف‌تر حرف بزنند. پس از گفت‌وگوی نادر مقدس و صحبت‌های تکمیلی فرهاد توحیدی، مازیار میری با اشاره به اظهارنظر احمد شاملو مبنی بر این‌که «اگر کامبوزیا پرتوی به سینما نمی‌رفت و داستان نویس می‌ماند موفق‌تر می‌شد.» با این جمله پایان مراسم را اعلام کرد: «اما سینمای ایران خیلی خوشحال است که او به سینما آمد و برای سینما فیلمنامه نوشت و فیلم ساخت.»